

# و مرشد اینگونه ظهور کرد !



## پیوسته بگذشته بخش یکصدو شصت و سوم :

**آورده اند** چند نفری که در زیر یک درخت ایستاده بودند یکی از آنها پرسید ، فکر کنید که اگر این درخت چنار زبان داشت به ما چه می گفت ؟ مرد باغبانی که از راه رد می شد گفت : اگر این درخت زبان داشت به شما می گفت : دیوانه ها ! اولاً که من درخت بلوطم نه چنار ! ثانیاً هفت هشت سال است که خشک شده ام ! ثالثاً دیگر چه بگوئیم ؟ مدت ها در نوشته ها ، دفاعیه ها حتی در سخن با عزیزانی که در تاریکترین سلولهای استبداد شبه کمونیستی باهم همزنجیر بودیم و یا هم در دوران مهاجرت با هم یکجا قلم میزدیم نوشته ام و گفته ام بگذارید انسان سرزمین ما با فطرت دینی و مذهبی ای که دارد در باره ای آنچه که خود در مورد سرنوشت میهن می اندیشد و به دور از اغیار نقشه راهی را برای سرنوشت مملکت میریزانند عرضه کنند و در ترازوی منطق و عقلانیت بر آن قضاوت صورت گیرد . بگذارید یک جامعه قانون مند و پیشرفته استقرار یابد آن وقت خواهید دید که آفتاب چگونه می تابد ؟ گل ها چگونه می شگوفند و زمین چگونه به وراثت امامت مستضعفین و بندگان صالح خدا در خواهد آمد ؟ آنکه سوزایمان دردل ، زخم شکنجه برپا و شناخت جوهری از انسان به عنوان نائب برحق خدا در زمین با کوله باری از عدالت ، استقلال و آزاده گی بر پشت دارد به حاکمیت قانون و عدالت اجتماعی میرسند و زنجیرهای استعمار و استعمار و به تعبیر قرآن « اصر » ها و « اغلال » سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی یکی پس از دیگری در هم می شکنند . مجاهدین که قدرت درست گرفتند هر چند می فهمیدیم که حکومتی بنام مجاهدین چگونه در لاگرهای شبکه های استخباراتی بوجود آمده است ولی با این باور که ملت های کمی وجود دارند تا بدون استفاده از هجرت متعهد و با فضیلت های انسانی بهره ببرند وقتی به قدرت رسیدند غرق در جاه و جلال نه میگردند و همگام با مردم بینوای جامعه گام برمیدارند اما در همان نخستین لحظات ورود مجاهدان همه دارو نادر مردم فقیر و بینوای کابل را به غارت بردند و جوانان را به برده گی گرفتند . شهر زیبای کابل به ویرانه مبدل گشت با درد و دریغ که هنوز هم خاطرات آن روزگار سیاهی در تاریخ کشور بنام حاکمیت مجاهدین به ثبت رسیده است و مردم و نسل جوان وطن نفرت عجیبی را عجین ساخت که نسبت به آن دوره سیاه در تاریخ افغانستان بنام شکست نفرت انگیز جهاد و مجاهدین پایان یافت .

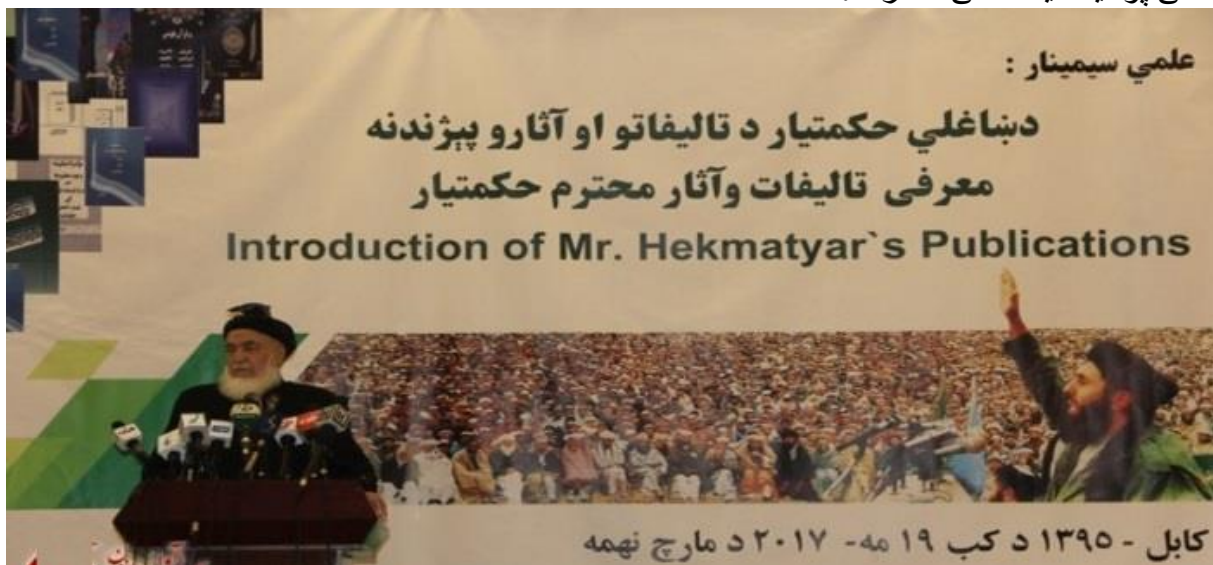
<https://www.youtube.com/watch?v=cEY6CZCXaYk>

و مردم افغانستان بویژه شهریان کابل از آن همه جنایت و شهکارهای خونین شوالیه های شبه مذهبی دُچار شگفت عظیمی شده بودند که مردان دیگری اما از همان طائفه با شمشیر های گداخته شده آمدند که و گفتند ما از جانب خدا آمده ایم و انتقام گیران خون بی گناهان هستیم ! مردم فقیر و ناتوان کابل توان نه گفتن را نداشتند پذیرفتند و وقتی قدرت گرفتند آنچه را که از پیشوایان شان در امان مانده بود نابودی آنرا افتخارات بزرگ و فتح المبین خواندند و بسیاری از بی گناهان را سر بریدند و شهر زیبای کابل را به ویرانه تبدیل کردند و جالب آنجا بود که این مردم بینوا و فقیر خود جوقة ، جوقة با تقسیمات پلید قومی در دام های که مزین بر آئینه های سیاه شبه مذهبی گسترده بودند غوطه می خوردند ، گاهی این اسیران در دام افتاده را به جنگ علیه کسانی میبردند که هیچگاه نه می شناختند و بروی کسانی شمشیر می کشیدند که زمانی خود از آنها جوشیده بودند و حتی کسانی که هم طبقه و هم سرنوشت شان

به شمار می آمدند . مگر دیگر برای دفاع از خود و سرزمینی که بنام افغانستان یاد می گردید همه آهن ها پیش و دردوران مریبان جنایت آنها ذوب شده بود . اما ناگهان برگ سرنوشت مردم مجروح ما که هنوز هم ما آنرا ملت غیوری می خواندیم و در دامن منافع قدرتهای بزرگ به خواب عمیقی فرو رفته بود تغییر کرد و در جهان تحولی بزرگی آمد قدرتمندان و زورمندان تاریخ تغییر تفکر دادند و همه مردم بینوا افغانستان خوشحال شدند واز ناچاری و دردی که بر زخم های شانه فرد فردی از بینوایان مردم ما افتاده بود فریب داد و باز هم در دام های جدیدی که با ویروس امتیازات و ریسمان دروغین شبه دموکراسی ، حقوق بشر و عدالت اجتماعی با ضافه فریب دادن و گول خوردن و توجه به ظواهر قدرت مافیائی آلوده شده بود همه مردم را به خواب عمیق بردند و این خواب مصنوعی چنان عمیق و سنگین بود که نسل جوان افغانستان را معتاد به مصرف ساختند و با ازدیاد فاصله طبقاتی رابطه میان نسل معتاد بر مصرف و آنانیکه وارثان عظمت تاریخی محسوب می شدند بصورت کامل و با نقشه قبلی ای که حین سقوط رژیم دکتر نجیب الله طراحی نموده بود باز هم مردی از تبار همان شبه مجاهدان را پس چندین سال مراقبه و عزلت با تشریفات خاص روحانی برای ظهور امام زمان بدون برنامه و نقشه راه با استناد رونمایی صدو هجده جلد آثار روحانی و قلمی پیشوا را با تشریفات ویژه رونمایی که بیشتر شان حاوی مطالب توهم زأ ، متحجرانه و تولید کننده خشونت در دوره شبه دموکراسی بوده اند دریک روز آفتابی از زمین خدا با شعار نجات انسان آن سرزمین با ادبیات پارادوکسیال گاهی با لهجه قهرکه شاخصه دیکتاتوران و جباران گذشته در تاریخ میباید و گاهی با لهجه نرم توام با کنایه های فروان به دیگر شهروندان بی چاره شده این سرزمین مجروح ظهور داده شد .

<https://www.youtube.com/watch?v=8LSXLI1389g>

اما هیچکسی ندانست که چرا مرشد بر موافقتنامه ای تأکید دارد و آنرا بین الافغانی میدانند که به جز شخص حضور امام زمان (عج) که تازه از چاه جمکران استخباراتی افغانی برخاسته و ظهور بی وقت وی محل نموده هیچکسی آنرا نه تنها بین الافغانی نه میدانند بلکه غنیمت نامه ای صد در صد استخباراتی که با امضای ضابط حنیف خان اتمر که وابسته به قوم « مجاهد » لغمان است این جاسوس نامدار شبکه های استخباراتی که داستانهای انتقال داعش از مرز های پاکستان به شمال کشور از هیچ کسی پوشیده نیست می شمارند .



شاید روی همین دلیل بوده که حضرت امام (عج) از سرزمین مقدس لغمان شریف ظهور نموده است . اما شگفت انگیز ترین و در عین حال مسخره ترین تأکید حضرت امام دامت برکاته بر اینکه باید تمامی شرائط غنیمت نامه یا همان معاهده ای که وی آنرا معاهده صلح بین الافغانی می خوانند باید بصورت کامل تطبیق شود روی همین تخذیر جامعه افغانستان که در مدت شانزده سال تمام نسل جوان این کشور را مانند تخذیر برمواد مخدر معتاد ساخته است و این زمین آماده هرنوع بذر خرافات و لاطائلات ساخته اند و همیشه جنازه جوانان گلگون کفن آن در کفن های خونین آلوده بر امتیازات به بیرون کشیده میشود وی حاضر شد مانند دیگر همکاران داعشی اش چون محمد نواز شریف صدراعظم پاکستان که روزگاری بر انهدام ارتش افغانستان مباحثات میکرد و ی نیز با کمک عربستان سعودی به قدرت خواهند رسید اما در محاسبه ناقص اش که وی چنین پنداشته بود که گویا با بیرون شدن از فهرست سیاه سازمان ملل تمامی دارائی ها و ثروتهایش را که در بانک های گوناگون جهان با نام های

افراد به قول وی مورد اعتماد و مؤمن به کار افتاده اند نیز در دسترس وی قرار خواهند گرفت آرمانی بوده که با تأسف نتوانیست به آن آرمان نائل آیند و بحیث یک رهبر آزادی خواه و ضد استعمارواستبداد در میان غریبو هیاهوی گرسنه گان حضور پیداکنند .

<https://www.youtube.com/watch?v=2-DCWNuhLH8>

## آنچه که از حافظه حضرت امام (عج) بیرون افتاده اند !

قبل از همه باید خاطر نشان سازم ما در جهان گلوبال دهکده مانندی زنده گی میکنیم که نه میتوان دروازه های خانه خود را بروی همسایه ها بست بلکه زندگی در این جهان دهکده مانند و در کنار همسایه های مغرض و مقتدر باید خود را قوی ساخت با کشور های همسایه ای طماع منجمله با استعمار و استثمار جهانی باید هنر زندگی و مدیریت را آموخت این کار ممکن نیست مگر آنکه بتوانیم به عنوان انسان های دارای نقشه راه مطمئن نبض جامعه جهانی را درک کرد و از هرگونه خوش باوری پرهیز نمود ، آنچه را که می خواستیم به عنوان یک راه روکوی راهی که روزگاری وی از بزرگان این راه به حساب می آمد و ما بر وجود آنحضرت افتخار میکردیم و اکنون نیز با سکه نا چلی از آن نقشه راه مانند اصحاب کهف که در تاریخ اسلام از آن بنام مردان نیرومند و مبارزی یاد شده اند ظهورنموده اند نباید تصورکنید که ما با از دست دادن شما به حیث یکی از رجال برجسته نهضت بزرگ سیاسی و دینی تأسف آور و درد ناک نبوده است و اکنون قلب خود را جریحه دارنه می یابیم و شکی نیست که شما نیز از اینکه گروهی چون ما که فقط ایمان و اخلاص داشتیم تا نثار حضرت تان کنیم از دست رفته باشند تأسفی ندارید اما خوشبختانه امروز کسانی درکنارتان راه داده اید و چنان خود را درفضای کاذب روحانی افتاده اید که شما را نه تنها از ما که به جز درد و ایمان دغدغه ای نداریم از بسیاری رجال برجسته نهضت اسلامی جهانی بی نیاز میسازند . چنانچه دیدیم چگونه رابطه شما با رجب تائب اردغان مردی که روزگاری با شما و آقای فتح الله گولن رهبری که نتوانیست در برابر زرق و برق دنیا طاقت بیاورد و در بدل بیست چهار میلیارد دالر ثروت و سهم دادن در شرکت های بزرگ نفتی شبکه های استخباراتی را مجوز انجام کودتا علیه رجب تائب اردغان یکی از حامیان اصلی وی صادر کرد . همچنان گمان نه میکنم که رابطه حضرت عالی با رجب تائب اردغان هم فرا تر از یک استفاده ابزاری از تصویر مهمان نوازی اش که وی در محضر آن امام گرامی !! بر زمین نشسته است چیزی بیش از این باقی مانده باشد ....

[https://www.youtube.com/watch?v=r\\_CGXuAWXg](https://www.youtube.com/watch?v=r_CGXuAWXg)

## کور خود بینای مردم !

حضرت امام وقتی پس از سالها غیابت و مراقبه درلغمان شریف که بلادی از خراسان محسوب میشود ظهورکرد در نخستین سخنرانی پس از ظهورش جمهوری اسلامی ایران را متهم نمودند که گویا آنها به اهل سنت آنکشور اجازه یک مسجد رانه میدهند و با ضافه از ناتوانی و فقر طبیعی جوانان ما سؤاستفاده میکنند و آنها را در بدل نیروی ارزان قیمت به جنگ عراق سوریه می فرستند .... کاملاً درست فرمودند و بجا اما بعد : شاید حضرت امام زمان (عج) به یاد داشته باشند که درده نود آنگاه ی درجنگهایمیان آذربایجان و آرمستان پروژه مشترک سه کشور یعنی ترکیه - ایران و پاکستان به نفع آذربایجان نیروی نظامی می فرستادند حزب اسلامی افغانستان نخستن گروهی بود که عملاً در جنگ آذربایجان با آرمستان حضور یافتند و دربدل اعزام این جنگجویان مبالغ هنگفتی به دلالان حزب اسلامی پرداخته میشد و تنها برای کسی که درجنگ با آرمنی ها اشتراک میکرد مبلغ ناچیزی بحیث مزد تادیه میگردد ...

